

## **ظرفیت‌های متون دینی برای سیاست صلح‌گرایی و حل گفتگویی منازعه**

**(مروری فشرده بر متون ادیان ابراهیمی)**

**سید محمود نجاتی حسینی (خراسانی)<sup>۱</sup>**

### **چکیده**

در بحث از ظرفیت‌های دین برای ایجاد جهانی پر از صلح و عاری از خشونت می‌توان متون دینی را فراهم سازنده زیست جهانی تلقی نمود؛ پر از آموزه‌های اخلاقی معنوی که از حیث جامعه‌شناختی مبشر تفاهم، تساهل، رفتار مسالمت‌آمیز و نهایتاً وفاق فرهنگی، همبستگی اجتماعی و انسجام سیاسی‌اند. مقاله حاضر در پی بحث درباره این مساله مهم است که «چرا و چگونه متون دینی در ادیان ابراهیمی [یهودیت، مسیحیت، اسلام] و ادیان آسیایی [هندو- بودیزم، زرتشتی- مانوی، کنفوسیوسی- تائویزم] از ظرفیت‌های ترویج صلح و پرهیز از نزاع (نا صلح‌گرایی) برخوردارند». اما برای پاسخ به این مساله مقاله به چند پرسش راهنما متکی است: «متون دینی در ترویج صلح برای پیروان خود به چه آموزه‌های معنوی اخلاقی تأکید دارند؟ و برای پرهیز از نزاع (نا صلح‌گرایی) پیروانشان را به چه چیزی توصیه می‌کنند؟ و در حل منازعه چه طریقی را برای پیروان خود ترجیح می‌دهند؟». مثی روشی پژوهشی مقاله نیز بر «متن کاوی» و «تحلیل مضمون» متون دینی در ادیان ابراهیمی استوار است.

**واژگان کلیدی: متون دینی، سیاست صلح‌گرایی، حل گفتگویی منازعه، ادیان**

**ابراهیمی، ادیان آسیایی، جامعه‌شناسی صلح**



## درآمد

در بحث از ظرفیت‌های دین برای ایجاد جهانی پر از صلح و عاری از خشونت می‌توان متون دینی را فراهم سازنده زیست جهانی تلقی نمود؛ که پر از آموزه‌های اخلاقی معنوی که از حیث جامعه‌شناختی مبشر تفاهم، تساهل، رفتار مسالمت‌آمیز و نهایتاً وفاق فرهنگی، همبستگی اجتماعی و انسجام سیاسی‌اند. اگرچه منتقدان این ایده - این که متون دینی صلح‌ساز و در خدمت حل منازعه‌اند- بر آن‌اند تا نشان دهند ادیان فقط به صورت "دژوره" [ایده‌ای] منادی صلح‌گرایی‌اند، اما در عمل و به صورت "دفاکتو" [رویه‌ای] مروج یا مسبب ناصالح‌گرایی هستند. منتقدان مزبور خصوصاً برای تأیید ادعای خود به تاریخ زیست ادیان ابراهیمی [یهودیت، مسیحیت، اسلام] ارجاع می‌دهند؛ به نمونه آنان از دوران کلاسیک به "جنگ‌های صلیبی" دویست ساله در سده‌های ۱۱ و ۱۲ میلادی میان مسیحیت و اسلام و از دوران مدرن به پدیده‌های جامعه‌شناختی مانند "اسلام‌هراسی- اسلام‌ستیزی" [در غرب مسیحی و شرق یهودی] و بربریت دین‌نمای گروه‌های "اسلام‌گرایی" سلفی و تکفیری و تروریستی [وهابیزم و القاعده و طالبانیزم و داعشیزم و بوکوحرام و الشباب در قلب جهان اسلام از خاورمیانه تا شمال آفریقا و آسیای میانه] فاکت می‌آورند.

منتقدان همچنین با کاویدن تاریخ اندیشه و تبارشناسی معرفتی الاهیات ابراهیمی - و البته از منظر مطالعات صلح و حل منازعه - و برای تأیید تقویت شده ادعاهای خود به چند تز و دکترین در الاهیات سیاسی حقوقی کلاسیک استناد می‌کنند؛ منظور آنها تأکید ادیان ابراهیمی بر لزوم "جنگ مقدس" [جهاد مشروع] برای ترویج دین و حفظ دیانت و نیز "اصل جنگ عادلانه" *just- war tenet* و تز *jus ad bellum* یا "منطق حق جنگ" *right - to- war* است که پیش روی اجتماعات دینی، جمعیت‌های دین‌ورز و سازمان‌های رسمی متولی دین قرار می‌گیرد تا برای تثبیت صلح به جنگند (!؟).



ضمن پذیرش نسبی کلیت این انتقادات، اما مقاله حاضر در پی بحث درباره این مساله مهم است که «چرا و چگونه متون دینی در ادیان ابراهیمی [یهودیت، مسیحیت، اسلام] و ادیان آسیایی [هندو- بودیزم، زرتشتی - مانوی، کنفوسیوسی- تائویزم] از ظرفیت‌های ترویج صلح‌گرایی و پرهیز از ناصح‌گرایی برخوردارند». اما برای پاسخ به این مساله مقاله به چند پرسش راهنما متکی است: «متون دینی در ترویج صلح‌گرایی برای پیروان خود به چه آموزه‌های معنوی اخلاقی تأکید دارند؟ و برای پرهیز از ناصح‌گرایی پیروانشان را به چه چیزی توصیه می‌کنند؟ و در حل منازعه چه طریقی را برای پیروان خود ترجیح می‌دهند؟».

آشکار است که مشی روشی پژوهشی این مقاله بر "متن‌کاوی" و "تحلیل مضمون" [که از تکنیک‌های "مطالعات اسنادی" است] استوار است. این متون دینی هم به نمونه کاویده و مقایسه می‌شوند: «تورات، انجیل و قرآن». متون دینی ادیان آسیایی هم «اوستای زرتشتی، زبور مانوی، اوپانیشادهای هندی، مکالمات کنفوسیوسی، تائوته چینگ لائوتزه، دمه پدای بودایی» در مقاله‌ای مستقل باید مطالعه و تحلیل و تفسیر و تعبیر شوند.

## پروپلماتیک

### مساله

مساله این است که «چرا و چگونه متون دینی در ادیان ابراهیمی [یهودیت، مسیحیت، اسلام] و ادیان آسیایی [هندو- بودیزم، زرتشتی- مانوی، کنفوسیوسی- تائویزم] از ظرفیت‌های ترویج صلح و پرهیز از نزاع (ناصلح‌گرایی) برخوردارند».



## ایده

مفهوم "صلح" را باید فراتر از "نه بود/ کم بود جنگ" دید. لذا در این نوشتار ایده ما این است که فضای مفهومی "صلح" را باید اینگونه لحاظ نمود: «وضعیت صلح یعنی: وجود هرگونه وضعیت مبتنی برامید، آرامش، امنیت، آزادی، تساهل، گفتگو، تفاهم، تعامل در زندگی جمعی؛ در سطح دولت ملت، سیستم، جامعه، فرهنگ؛ و در سپهرهای حوزه عمومی، جامعه مدنی و جامعه جهانی». به همین نیز منوال نیز می‌توان به فضای مفهومی نقیض صلح یعنی نزاع یا "ناصلح" نگاه کرد: «وضعیت نزاع یا ناصالح یعنی: وجود هرگونه وضعیت مبتنی بر کشتار، نسل‌کشی، قوم‌کشی ترور، ستم، خشونت، خشم، تقابل، تعصب، تحجر، تبعیض، بی‌عدالتی».

## پرسش

اما برای پاسخ به این مساله مقاله به چند پرسش راهنما متکی است: «متون دینی در ترویج صلح برای پیروان خود به چه آموزه‌های معنوی اخلاقی تأکید دارند؟ و برای پرهیز از نزاع (ناصلح‌گرایی) پیروانشان را به چه چیزی توصیه می‌کنند؟ و در حل منازعه چه طریقی را برای پیروان خود ترجیح می‌دهند؟».

## مفروض

اما مفروض مهمی که به ما کمک می‌کند تا هر دو سویه پرسش از ماهیت ظرفیت متون دینی برای مواجهه با صلح / ناصالح را فهم کنیم؛ اینگونه است: الف) مفروض است که متون دینی صلح‌ساز و در خدمت حل منازعه‌اند و لذا ادیان به صورت "دوره" [ایده‌ای] منادی صلح‌گرایی‌اند. بر این مبنا و در بحث از ظرفیت‌های دین برای ایجاد جهانی پر از صلح و عاری از خشونت می‌توان متون



دینی را فراهم سازنده زیست جهانی تلقی نمود؛ پر از آموزه‌های اخلاقی معنوی که از حیث جامعه‌شناختی مبشر «تفاهم، تساهل، رفتار مسالمت‌آمیز و نهایتاً وفاق فرهنگی، همبستگی اجتماعی و انسجام سیاسی» اند. ب) مفروض است که در عمل و به صورت "دفاکتو" [رویه‌ای] متون دینی مروج یا مسبب نزاع (ناصلح‌گرایی) هستند. بر این اساس هم ازمنظر "مطالعات صلح و حل منازعه" و هم به ویژه از چشم انداز "الاهیات سیاسی حقوقی" ادیان ابراهیمی به لزوم "جنگ مقدس" [جهاد مشروع] برای ترویج دین و حفظ دیانت و نیز "اصل جنگ عادلانه" just-war tenet و تز just ad bellum یا "منطق حق جنگ" right-to-war مشروعیت بخشیده‌اند. ت) و نهایتاً مفروض است که اجتماعات دینی، جمعیت‌های دین‌ورز و سازمان‌های رسمی متولی دین [روحانیت رسمی] برای تثبیت هویت سازمانی نهادی دین، حفظ زیست جهان دینی و بقای سیستم روحانیت رسمی آماده‌اند تا برای تثبیت صلح به جنگند.

## نظریه

مبنای نظری این مقاله مبتنی بر دیدگاه‌های "مطالعات صلح و حل منازعه" (وبل و گالتونگ ۲۰۰۷؛ گالتونگ ۲۰۱۰؛ بوثام و همکاران ۲۰۱۶) و نیز ایده‌ها و تحلیل‌های چند دانشی "جامعه‌شناسی دین-الاهیات - فلسفه دین" (اسکات و کاونائز ۲۰۱۵) درباره صلح دینی است؛ که در نوعی دانش متاخر شکل گرفته در دین‌پژوهی و مطالعات دین، ذیل عنوان "جامعه‌شناسی فلسفی الاهیاتی گفتگوی" (نجاتی حسینی ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۸)، می‌توان آن را پی گرفت. بخشی از این مطالعات البته با دیدگاه‌های دینی الاهیاتی که مرتبط با "صلح / جنگ" اند هم قابل پیگیری است. در این حوزه مهمترین موثرترین این دانش‌ها "الاهیات سیاسی" است (اشمیت ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۵؛ نجاتی حسینی ۱۳۹۸؛ ۱۳۹۹).



## روش

مشی روشی پژوهشی این مقاله نیز بر "متن‌کاوی" و "تحلیل مضمون" استوار است (سلدون ۱۳۸۴؛ گروندن ۱۳۹۵؛ بژه ۱۳۸۸؛ ریلی ۱۳۹۵؛ یورگنسن و فیلیپس ۱۳۹۸). این متون دینی هم به نمونه به صورت مختصر کاویده شده و به صورتی فشرده نیز مقایسه می‌شوند: «تورات، انجیل، قرآن». همانگونه که پیشتر نیز ذکر شد شایسته است که متون ادیان آسیایی [اوستایزرتشتی، زیور مانوی، اوپانیشادهای هندی، دمه پده بودایی، مکالمات کنفوسیوسی، تائوته چینگ لائوتزه] نیز در مطالعه‌ای مستقل آورده شوند.<sup>۱</sup> در مورد جهان عربی پیش از اسلام نیز به صورت مقایسه‌ای می‌توان برای یک نمونه موردی و اجمالی به تنها متن ادبی و میراث فرهنگی "عرب جاهلی" (عرب پیش از اسلام) مراجعه نمود که تحت عنوان "معلقات سبعة" (آیتی ۱۳۹۰) معروف است.

۱ در مورد "عهدین قدیم و جدید" (تورات و انجیل) به نسخه‌های زیر استناد شده است: عهد عتیق - جلد اول / کتاب‌های شریعت یا تورات: براساس کتاب مقدس اورشلیم (۱۳۹۶) ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر هرمس؛ عهد عتیق - جلد دوم / کتاب‌های تاریخ: براساس کتاب مقدس اورشلیم (۱۳۹۶) ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی؛ عهد جدید [انجیل] - براساس کتاب مقدس اورشلیم (۱۳۹۶) ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی؛ انجیل برنابا (۱۳۹۰) ترجمه حیدر قلی خان قزل باش (سردار کابلی)، تهران، المعی / در مورد "اوستا" (متن مقدس دین زرتشتی) و "مانویت" نیز به دو نسخه زیر استناد شده است: اوستا - کهن‌ترین سرودهای ایرانیان (۱۳۹۲) گزارش و پژوهش: جلیل دوست‌خواه، تهران، مروارید، ۲ جلد؛ زیور مانوی (۱۳۹۶) برگردان متن قبطی از: سی. ا. رسی البری با همکاری هوگو ایشر، برگردان پارسی از: ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق، تهران، هیرمند. / در مورد "اوپانیشادها" (متن مقدس دین هندوئیسم) نیز به نسخه زیر استناد شده است: اوپانیشادها - کتاب‌های حکمت (۱۳۹۰) ترجمه مهدی جواهریان و پیام یزدان‌جو، تهران، نشر مرکز / در مورد متن مقدس دین "کنفوسیوسی و تائوئیسم" نیز به نسخه‌های زیر استناد شده است: تائوته چینگ لائوتزه - راهنمای هنر زندگی و خرد ناب (۱۳۹۲) ترجمه فرشید قهرمانی، تهران، نشر مثلث؛ منسیوس (۱۳۹۰) حکایت‌های اخلاقی از آیین کنفوسیوس، گیتی‌وزیری، تهران، بصیرت؛ کنفوسیوس (۱۳۹۷) مکالمات، حسین کاظم زاده ایران‌شهر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی / در مورد متن مقدس دین "بودیسم" نیز به نسخه زیر استناد شده است: بودا (۱۳۹۶) دما پدا - بودا، راه حق و سروده‌هایش، ترجمه از زبان پالی: رضا علوی، تهران، نشر فرزنان.



## [۱] متون ادیان ابراهیمی

ادیان ابراهیمی هم به واسطه پیشینه تاریخی که دارند (شکلگیری دین حنیف ابراهیمی در هزاره ۳ پیش از میلاد مسیح ع) همچنین توان بر ساختن تمدن و فرهنگ به کمک علم و تکنولوژی عرفی (فرهنگ یهودی، مسیحی، اسلامی) و نیز کمک به شکلگیری يك اجتماع دینی از معتقدان در کنار جامعه عرفی؛ همواره در معرض توجه عموم و قضاوت نخبگان بوده‌اند. دست داشتن ادیان ابراهیمی در "امر قدرت" و به تبع آن مشارکت این ادیان در بر ساختن سیاست، حکومت و دولت نیز مزید علت شده است برای "تقابل/ تعامل" آنها با "مردم / قدرت". لذا نفس این واقعیت اجتماعی سبب شده تا ادیان ابراهیمی نتوانند، حتی اگر خواسته باشند، نسبت به دو مفهوم - پدیده اجتماعی مهم: «تضاد/ وفاق و نزاع/ صلح» بی تفاوت و خنثی باشند. و به این قرار ملاحظه می‌شود که ادیان ابراهیمی هم به صورت دژوره و هم دفاکتو در معرض و مظن "ترویج/ پرهیز توأمان صلح - نزاع" هستند. چون چنین است باید دید در متن‌های دینی ابراهیمی (تورات، انجیل، قرآن) چه ردپایی از این واقعیت اجتماعی دو گانه (تضاد/ وفاق و نزاع/ صلح) می‌توان سراغ گرفت.

در اینجا باید البته به يك مساله شناختی مهم درباره ماهیت مطالعه متون ادیان ابراهیمی که "گفتمانی- ایدئولوژیکی" نیز هست اشاره نمود که برای مطالعه متن‌های دینی مزبور و مساله این پژوهش حیاتی است. منظور وجود يك "واریانس و چرخش عقیدتی" متفاوت در متن‌های مقدس یهودی (تورات- با چرخش عقیدتی به سمت "تضاد و نزاع")، مسیحی (انجیل- با چرخش عقیدتی به سمت "وفاق و صلح") و اسلام (قرآن- با چرخش عقیدتی به سمت "وفاق و صلح / نزاع و تضاد") است. این چرخش عقیدتی استراتژیکی که از منظرهای سه گانه به هم مرتبط با این مساله، یعنی "الاهیات، فلسفه دین، جامعه‌شناسی دین" مهم‌اند، موجب می‌شود تا استنباط و



سنتزي متفاوت و نه يك دست از برخورد متون ديني ابراهيمي با مساله «صلح- نزاع- حل منازعه» داشته باشيم. بديهي است در مطالعه اين واقعيت شناختي متني نيز بايد اين واريانس و چرخش عقيدتي لحاظ شود.

## [۲] تورات و يهوديت: خشم و خشونت مقدس، قومی و دينی

براي فهم ظرفيت متن text لازم است توانش زمينه context، که متن را شکل داده است، مورد تامل قرار گيرد. در مورد متن توراتيز، که وفق "مطالعات کتاب مقدس يهود" در طول تاريخ تکوين يافته است، اين واقعيت، همان گونه که در ادامه اشاره خواهد شد، ييش از هر متن مقدس ديگري مصداق دارد (براي نمونه نك: فينکلشتاين و اشر سيلبرمان ۱۳۹۴). در اين باره توضيحات مستدل و مستند متخصصان مطالعات کتاب مقدس از تاثير زمينه بر متن بسيار گويا است [افزوده‌هاي داخل کروشۀ نيز از نگارنده است]:

«... جهاني که درآن عهد عتيق [تورات] به وجود آمد قلمروي افسانه اي شهرهاي بزرگ و قهرمانان مقدس نبود، بلکه يك پادشاهي کوچک واقعي بود که مردم در آن براي اينده خويش با تهديدهاي عادي بشري هم چون جنگ، فقر، بيماري، قحطي و خشکسالي دست و پنجه نرم مي‌کردند. حماسه تاريخي که در عهد عتيق ثبت شده از مواجهه ابراهيم [خليل الله ع] با خداوند و مهاجرت به کنعان تا نجات اسرائيل به دست موسي [کليم الله ع] از اسارت تا ظهور و سقوط پادشاهي اسرائيل و يهوديه يك الهام معجزه‌آمیز نبود بلکه محصول حيرت‌آور از تخيلات بشري بود. ... اين حماسه‌سازي خيالي آن گونه که يافته‌هاي اخير باستان‌شناسي به ما مي‌گويند در دوره‌اي از دو يا سه نسل در حدود ۲۶۰۰ سال پيش از ميلاد در منطقه يهوديه [فلسطين تاريخي و اشغالي و اسرائيل کنوني] شکل گرفت...» (همان: ۱۰۲-۱۰۳).



همین مطالعات تخصصی درباره نحوه نوشته شدن تورات می‌نویسند:

«... در اواخر قرن ۷ پیش از میلاد يك ائتلاف ناهمگون از ماموران و کاهنان و کاتبان و پیشگویان درباره یهودیه با هم جمع شدند تا حرکت اجتماعی جدید خلق کنند. در مرکز آن هم کتاب مقدس با ادبیاتی بی‌نظیر و روحانی قرار داشت. حماسه‌ای از به هم بافتن انبوهی شگفت‌آور از نوشته‌های تاریخی، خاطرات، داستان‌ها، شایعات، قصه‌ها، پیشگویی‌ها، اشعار و مانند آن ...» (همان: ۱۰۴).

و به این قرارگشتالت کتاب مقدس- تورات- شکل می‌گیرد که هر سه بخش اصلی آن ( اسفار خمس، نبویم، کتویم) و فراز و فرودهای آنها، خواه درباره "نزاع‌گرایی" و خواه درباره "حل نزاع"، برگرفته از سرشت تاریخی و سرنوشت اجتماعی قوم یهود و عبریان است :

«... کتاب مقدس عبری به زبان سامی آرامی نوشته شده است و شامل ۳ بخش [اسفار خمس، نبویم، کتویم] و ۳۹ کتاب خردتر است. بخش اول (اسفار خمس) که شامل "سفرهای پیدایش جهان، خروج، لاویان، اعداد، تثیبه" است سرگذشت قوم یهود از آغاز خلقت جهان تا توفان نوح، خروج از مصر، سرگردانی در صحرای سینا تا پیدایش شریعت یهود در کوه طور است. بخش دوم (نبویم) نوشته‌های نبوتی انبیای بنی‌اسرائیل است که شامل تاریخ پیامبران و پادشاهان است و شامل توصیه‌ها و تذکرات و بیم و تهدید و امید است. بخش سوم نیز (کتویم) کتاب‌های نوشته شده است و مجموعه‌ای است از اندرزها و شعارها و مثل‌ها و سرودهای معنوی تخیلی احساسی است که حاوی عواطف قلبی و معنوی قوم بنی‌اسرائیل در زمان‌های شادی و پریشانی و شادی و غزا است مانند غزل‌های سلیمان، مزامیر، قوانین، امثال، جامعه، مکاشفات ...» (همان: ۱۰۸-۱۰۹).

باری همانگونه که از این توصیفات مبنایی بر می‌آید تورات، دست کم وفق



مطالعات کتاب مقدس یهود، نیم‌رخی از سرشت تاریخی و سرنوشت اجتماعی قوم تاریخی یهود و بنی‌اسرائیل و زبان عبری و بعدها در جهان معاصر مدرن، دولت ملت اسرائیل، به دست می‌دهد؛ که چنانچه از منظر جامعه‌شناختی به آن نگاه شود- آن گونه که منظور این مطالعه و مقاله نیز هست- نشان‌دهنده ظهور و بروز تاریخی از تکوین يك مساله اجتماعی استراتژیک (برای قوم یهود و بنی اسرائیل) و يك مساله سیاسی ژئوپولیتیک (برای دولت-ملت اسرائیل) است: مساله حیاتی "توصیف تضاد تاریخی و توجیه نزاع اجتماعی سیاسی برای بقا".

نفس وجود واقعی این مساله چه هنگامی که از زمینه تاریخی به متن می‌آید و چه زمانی که از متن تاریخی به زمینه اجتماعی تسری داده می‌شود، از حیث جامعه‌شناختی خاستگاه تضادگرایی و نزاع‌گرایی با داعیه‌ها و مایه‌های دینی و مذهبی است. بنابراین نتیجه‌ای که منطقی از متن تورات با این جو و فضای توصیف شده می‌توان گرفت این است که متن مقدس یهودیت- دست کم در محدوده این مقدمات و الزامات معرفتی متن کاوانه - از ظرفیت متنی تضادگرایی و نزاع‌گرایی برخوردار است. چند نمونه معرف و مختصر زیر که برگرفته از بخش‌های سه گانه تورات است (همان: ۱۳۹، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۴۵، ۲۶۹، ۲۸۳) می‌تواند موید این مفروض جامعه‌شناختی باشد که تورات هم متنی است با ظرفیت‌های متنی پر از توصیف خشم مقدس بی‌پایان و مستمرداوند (یهوه) نسبت به بندگان غیر یهودی و یهودی و نیز قوم بنی اسرائیل؛ و هم متنی است توجیه‌کننده سرریز خشم قومی بنی‌اسرائیل نسبت به اقوام دیگر و نیز متنی است تعمیددهنده خشم دینی از سوی فرادستان یهودی به فرودستان یهودی. این خشم از منظر جامعه‌شناختی به صورت "درون گروه / برون گروه" است و از منظر فلسفی نیز، تقویت‌کننده "تضاد خود / دیگری" است. یعنی خاستگاه تضاد اجتماعی سیاسی فرهنگی دینی است که نهایت آن جنگ است و نه صلح.



و به این قراردتورات ما با "شبکه تضاد- نزاع- خشم- خشونت- جنگ- مرگ- نیستی" برای بقا مواجهیم؛ به طوری که کمترین رد پایی از واژگانی چون "صلح و نرمش و آرامش" به سختی می‌توان یافت. اینکه گفته می‌شود خدای یهودیت (یهوه) به روایت تورات فقط مظهر "جباریت و جنگ" است بیشتر ناشی از این امر است. وصیت یعقوب پیامبر به نخست زاده خود یهودا به هنگام مرگ.

«...ای یهودا برادرانت ستاینده تو خواهند بود. دست تو بر گردن دشمنانت خواهد بود. پسران پدرت در برابر تو تعظیم کنند....» (سفر پیدایش ۴۱: ۸-۱۰). پس از فتح کنعان و پایان جنگ.

«...آن سرزمین از جنگ آسوده شد....» (یوشع نبی ۱۱: ۲۳).

خشم خداوند بر اسرائیل مغضوب.

«...و بنی اسرائیل در نظر خداوند شرارت ورزیدند و بل‌ها را عبادت نمودند و خشم خداوند را بر انگيختند.... پس خشم خداوند را برافروختند و ایشان را به دست غارت‌گران سپرد تا آنان را غارت کنند و ایشان را به دست دشمنان فروخت...» (داوران ۲: ۱۱-۱۹).

وعد و عید خداوند به داوود از زبان ناتان نبی.

«...حال به بندهام داوود بگو که خداوند لشگرها می‌فرماید: هم دشمنانت را از حضور تو منقطع ساختم... و هم تو را از دشمنانت آرامش بخشیدم... و [اما] اگر او [داوود/ قوم بنی اسرائیل] گناه ورزد او را با عصای مردم و تازیانه‌های بنی‌آدم ادب خواهیم نمود... (دوم سموئیل ۷: ۸-۱۶).

رجز خوانی حزائیل در نفی و محو دشمنان خویش.

«... من یهورام پسر احاب پادشاه اسرائیل را کشتم. و احاز یا هو پسر یهورام



پادشاه خاندان داوود را کشتم و شهرهایشان را با خاک یکسان کردم و سرزمین شان را به ویرانه مبدل ساختم ...» (اول پادشاهان ۱۲: ۱۴).

تهدیدهای رجب عام جانشین سلیمان نبی به مشاورانش .

«... پدرم یوغ شما را سنگین کرد اما برآن خواهم افزود ... پدرم شما را تازیانه مجازات کرد اما من با عقرب شما را عقوبت خواهم نمود ... (همان جا) .

پیشگویی احیای نبی درمورد یربهام از پادشاهان یهود.

«... برو به یربهام بگو یهوه خدای بنی اسرائیل چنین میگوید که : تو از همه کسانی که پیش از تو بودند بیش تر شرارت ورزیده ای و خشم مرا برانگیختی. پس من هم اکنون بر خاندان یربهام بلا میفرستم و از یربهام هر مرد را و هر محبوس را و آزاد را که در اسرائیل باشد منقطع خواهم ساخت و تمام خاندان یربهام را دور می اندازم چنان که سرگین را به کلی دور می اندازند... و خداوند اسرائیل را خواهد زد. و ریشه اسرائیل را از این زمین نیکو که به پدران ایشان داده بود خواهد کند و ایشان را آن سوی نهر پراکنده خواهد ساخت زیرا خشم خداوند را برانگیختند ... (همان جا ۱۴ : ۷-۱۶) .

پیشگویی الیاس نبی درمورد عواقب رفتار بی دینی یهودیان .

«... خداوند چنین میگوید که اینک بر تو بلا نازل نموده و تورا به کلی هلاک خواهم ساخت چون خشم مرا برانگیختی و اسرائیل را مرتکب گناه ساختی ...» (همان جا ۲۱: ۱۹-۲۴) .

این فهرست نمونه های گزینش شده از متن تورات را که مبین "خشم و خسونت های مقدس، قومی و دینی" واقع شده به صورت های درون گروهی / برون گروهی" و "تضاد خود / دیگری" اند را می توان از نظر کمی افزود، بدون آن که از حیث کیفی تغییری در نتیجه حاصل شود؛ لذا با صرف نظر کردن از این افزایش



بي‌مورد بايد به سنتز بحث توجه مبذول نمود.

منظورتامل جامعه‌شناختي در اين مساله است كه چرا و چگونه بروز و ظهور و توليد نزاع در متن تورات و بر زمينه زيست تاريخي اجتماع قوم يهود و شريعت يهوديت خود را به صورت يك خشم - خشونت مقدس و متافيزيكي متجلي ساخته است كه هم نسبت خداوند - يهوديان را خشمگين مي‌سازد و هم رابطه ميان يهود - غير يهود را متضاد مي‌كند. شايد و ممكن است حق با تاريخ نگاران برجسته تمدن باشد كه - وفق متن تورات - خدای يهوديان (يا يهوه) را "خدای جنگاوران" مي‌نامند (نك: دورانت [ها] ۱۳۸۹: ۷۷-۱۴۷).

و البته باز اين تعبير تاريخ‌نگارانه از شمایل و سيره خدای يهود، نمي‌تواند اين واقعيت تاريخي الاهياتي را انكار كند كه از بطن همين دين ابراهيمي قوم مبنا (يهوديت)، از متن مقدس آن (تورات) و از هسته سخت و ميكانيكال شريعت - فقه يهودي (هالاخا) يك جنبش نرم عرفاني (قابالا/كابالا) مبتني بر تجربه زيسته‌اي لطيف و عاشقانه از شناخت "خداوند رحمان و رحيم" (به عبارتي گشتالت "خدای اسلام و قرآن") هم روييده است كه قاعدتا با صلح بر سرمهر است تا نزاع (نك: شولم ۱۳۹۲: ۹-۶۸). تا اندازه‌اي درست مانند برداشت فيلسوفان يهودي كلاسيك از خدای يهودي (يهوه) كه بيشتر مظهر خردورزي است تا خشونت و خشم‌ورزي (براي نمونه نك: ژيلسون ۱۳۸۸: ۲-۱۲) و نيز اين واقعيت شناختي كه مواجهه آنان با خدای عرفان يهودي هم مشخص‌تر شده است (نك: استيس ۱۳۸۸).

و اما در مورد تبعات وجه تمايز اين عرفان يهودي براي مساله اصلي مورد بحث ما در اين جا (نسبت و ظرفيت عرفان يهودي با / براي صلح يا نزاع) بايد گفت كه وفق برخي از عرفان پژوهي‌هاي يهوديت، تمايز عرفان يهودي از عرفان‌هاي مسيحي و اسلامي و نيز تفاوت‌هاي جدي آن با عرفان‌هاي شرقي و هندو چيني محرز شده است



و خصوصا این که تمرکز عرفان یهودی متاخر (قبالا) بر اصل "آخرالزمانی، منجی‌گرایی و مسیح‌گرایی موعود" احتمالا می‌تواند این ظرفیت را داشته باشد که عرفان یهودی "قبالا" را تا اندازه‌ای به سمت علاقه‌مندی به عمل سیاسی که از جنس نزاع (با زیست دنیوی و جامه و فرهنگ سکولار) نیز هست، سوق دهد (نک: دویره ۱۳۷۴ الیاده: ۹۴-۱۰۳).

با همه این اوصاف و به صورت دفاکتو - درست یا نادرست و خواسته یا ناخواسته - نیم رخ "سیاست یهودی/ صهیونیستی" و اعتقاد به نبرد آخر الزمانی (آرماگدون) نشان می‌دهد که کلیت هویت ژئوپولیتیک اسرائیلی- یهودی- عبری معاصر برگرفته از همین واقعیت اجتماعی تیره و تار و تلخ است؛ به طوری که روابط متنازع قوم بنی‌اسرائیل تاریخی درجهان سنت با اقوام غریبه و نیزماهیت روابط پر تنش، بحرانی و چالشی دولت ملت اسرائیل با اعراب و مسلمانان در خاورمیانه جدید و مدرن را نیز بر ساخته است.

### [۳] انجیل و مسیحیت: متن صلح‌گرا/ زمینه نزاع‌گرا

در حالی که متن مقدس یهودیت، به عنوان "عهد عتیق" یعنی "تورات"، متقدم بر متن مقدس مسیحیت، ذیل عنوان با معنای "عهدجدید" یعنی "انجیل" به رسمیت شناخته شده است (و هر دو نیز در ورژن تحریف نشده و البته ناموجود آن از منظر "قرآن مجید" به عنوان کتب الهی و حیانی مقدس متقدم مقبول دین اسلام و موجه معرفی و به رسمیت شناخته شده‌اند) اما میان این دو عهدین (تورات و انجیل) از حیث مواجهه متنی معرفتی عقیدتی آنها با مساله صلح و نزاع تفاوت گفتمانی قابل توجه و تاملی وجود دارد که برای هر گونه تامل و بحث علمی پژوهشی مرتبط با این مساله و این دو متن مقدس حایز اهمیت است.



بیشتر به این دلیل کلی که داعیه‌های جهان شمول مسیحیت و خصوصاً "اومانیزم دینی" مندرج در انجیل‌های به رسمیت شناخته موجود در جهان مسیحیت (متی، مرقس، لوقا، یوحنا) و حتی "انجیل‌های گنوسی" نامتعارف (نک: پیگلز ۱۳۹۴) و نیز انجیل‌های مغضوب و مطرود واتیکان امانند "انجیل برنابا" که مورد علاقه جهان اسلام است [نک: سردار کابلی ۱۳۶۲] و برخلاف "رادیکالیزم قومی" یهودی مندرج در تورات یهودیان؛ موجب شده تا متنانجیل مسیحی و متعهد جدید مسیحیت بیشتر با صلح و آرامش بر سر مهر باشد تا خشم و خشونت و نزاع.

اما این رویه دژوره مسیحیت است؛ رویه دفاکتوی تاریخ و زمینه مسیحیت واقعیت دیگری را نشان می‌دهد که عمدتاً حای از تنش، چالش، ستیز و نزاع درون‌گروهی در جهان مسیحیت (میان مذاهب کاتولیک، پروتستان، ارتدوکس) و برون‌گروهی در جهان ادیان (خصوصاً بین مسیحیت و اسلام) است. بنابراین واقعیت و با توجه به متن انجیل رسمی کنونی ایرادی نیست اگر در نسبت‌سنجی و ظرفیت‌سنجی میان انجیل و مساله صلح/ نزاع و برای هموار ساختن مسیر پژوهش کنونی قائل به مساله جامعه‌شناختی‌ای شویم به عنوان متن صلح‌گرا/ زمینه نزاع‌گرا.

از این حیث هم "الاهیات مسیحی" (برای نمونه نک مک گراث ۱۳۸۴)، هم "فلسفه مسیحی" (برای نمونه نک ژیلسون ۱۳۸۴)، هم "عرفان مسیحی" (برای نمونه نک مک گین و دیگران ۱۳۹۷) و هم "فلسفه دین مسیحیت مبنا" (برای نمونه نک پترسون و همکاران ۱۳۸۹) می‌توانند مایه‌های مستند خوبی برای تأیید نسبی وجه اول این مساله- مفروض جامعه‌شناختی (مساله صلح) فراهم آورند. همان طور که "الاهیات سیاسی مسیحی" (برای نمونه نک سنت آگوستین ۱۳۹۳؛ اشمیت ۱۳۹۰، ۱۳۹۲) و "فلسفه سیاسی حقوقی مسیحی" (برای نمونه نک لوفان بومر ۱۳۹۷) نیز می‌توانند به سهم خود مایه‌های مستند خوبی برای تأیید نسبی وجه دوم این مساله- مفروض جامعه‌شناختی (مساله نزاع) به دست دهند.



اما هسته مشترك مباحث مندرج در اين ادبيات مسيحي چند دانشي، كه در حقيقت نقطه ارشميدي آنها به سمت مساله جامعه شناختي صلح / نزاع را شكل مي دهد، چنان چه از منظر مسيحيت تاريخي نگاه كنيم عمدتاً به چند خاستگاه مهم مسيحي بر مي گردد : خطابه معروف يكي از آباي باني كليساي مسيحي يعني ترتوليان ( سال ۲۲۵ ميلادي) بر مي گردد و اين تز تاريخي او :

« .... آتن [مهد فلسفه و تعقل] را با اورشليم [مهد دين و وحى و اعتقاد] چه كار و آكادمي [مهد علم سكولار] را با كليسا [مهد ايمان معنوي] چه نسبتى است ؟ و بين بدعت گذاران و مسيحيان چه رابطه اي وجود دارد ؟.. نابود باد هر تلاشي براي پديد آوردن يك مسيحيت با لايه هاي رواقي يا افلاتوني و جدلي و غيره ...» ؛  
و نيز توصيه ايماني سنت آگوستين قديس بزرگ مسيحي ( سده ۳ ميلادي) كه گفته بود :

« با خبر باشيد كه كسي نرزايد شما را به فلسفه و مكر باطل، برحسب تقليد مردم و برحسب اصول دنياوي، و نه برحسب مسيح » ( نك "شهر خدا"، پيشين، مقدمه مترجم : ۱۳) ؛ و نهايتاً بايد به استراتژي اتوبيستي اشاره نمود كه در ميان مساله صلح و نزاع دعوت به مساهمت و تكليف مومنان مسيحي به ايجاد شهر خدا بر روي زمين مي كند (همان جا ، كتاب اول : ۲۵).

احتمالاً "ايدئولوژي شهر خدا" بايد نقطه ارشميدي براي ديگر ايده هاي الاهيات سياسي مسيحي باشد كه هم تاريخ نزاع درون گروهی دراروپاي مسيحي را با تمرکز بر "مسيحيت هدايت شده / مسيحيت گمراه" بر ساختند (براي نمونه نك به : برنز و ديگران ۱۳۸۷)، هم تاريخ جهاني اروپا محور را با تاكيد بر "عقلانيت مسيحي سازنده" بروز دادند (براي نمونه نك: ام بلاوت ۱۳۸۹) و هم تاريخ خاورميانه را از طريق ظهور جنگ هاي صليبي سده ۱۱ و ۱۲ ميلادي ميان جهان مسيحيت و اسلام و نزاع اديان



ابراهیمی بر سر تصرف "شهر خدا- اورشلیم و بیت المقدس" به سمت يك تاريخ چالشي بحراني دائما پر تنش هدايت نمودند (براي نمونه نك: لويس ۱۳۹۱).

اما تا جايي كه نموده‌ها و تبعات اين نزاع‌گرايي الاهياتي در تاريخ جهان مسيحي سده‌هاي ميانه خود را نشان داده است مي‌توان به مباحث پر و پيمان مندرج در آثار بزرگ در ادبيات مسيحي هم ارجاع داد كه برحسب رتوريك سازنده آن (الاهياتي، فلسفي، عرفاني، ادبي هنري، سياسي حقوقي، اخلاقي، اجتماعي فرهنگي) بر سازنده مساله نزاع مسيحي / صلح مسيحي نيز محسوب مي‌شده است. براي نمونه لوفان بومر برگزيده‌هايي از اين متون مسيحيت اروپايي سده‌هاي ميانه ( سده‌هاي ۵ تا ۱۵ ميلادي ) فراهم ساخته است كه نشان دهنده خط سيرهاي فكري عقيدتي است كه به نظر ما گفتمان‌ها و ايدئولوژي‌هاي فلسفي الاهياتي سياسي نزاع‌ساز/ صلح‌ساز را توامان دربر مي‌گيرد مانند: « عصر تفرقه مذهبي، عصر بي ايماني و شك، جريان ترجمه انجيل به زبان‌هاي محلي غير لاتين، دوره راديكاليزم مذهبي پروتستاني، دوره جنگ‌هاي مذهبي، جريان تساهل‌گرايي و آزاداندوشي ديني، جنبش اصلاح دين، جريان‌هاي متضاد اومانيزم سكولار و اومانيزم مسيحي، جريان دين‌ستيزي و لاييسته، پويش سياسي الاهياتي پاپ زدائي از مسيحيت» (بومر، پيشين، فصول ۳ و ۴).

اين جريانات فرهنگي اجتماعي و اين پديده‌هاي جامعه‌شناختي موثر و مقوم بر بروز ظهور هم زمان و هم عنان مساله صلح مسيحي / نزاع مسيحي قطعا نمي‌توانست بي‌پشتوانه‌هاي مدرن عقيدتي (الاهيات مسيحي مدرن)، فكري (فلسفه مسيحي مدرن) و علمي (علوم انساني اجتماعي مدرن) شكل بگيرد. همانطور كه نمي‌توانست بدون يك تاريخ ملهم از رنسانس (سده ۱۶ ميلادي) و روشن‌گري (سده ۱۸ ميلادي) رخ دهد. اما در اينجا بيش‌تر آنچه برجسته مي‌نمود ايفاي اين نقش تاريخي فرهنگي با محوريت حل نزاع و صلح بود كه برعهده جريان و جنبش پاي‌گير روشن فكري و مدرنيته و علم مدرنيستي قرار داده شده بود (براي نمونه نك: فروند



۱۳۸۷، هیملتون ۱۳۸۶، گلدمن ۱۳۹۴، کالینیکیوس ۱۳۸۳، کاسیر ۱۳۸۹، برونوفسکی و مازلیش (۱۳۹۳).

همانطور که پیش‌تر نیز به نحوی دیگر گفته آمد در این سپهر اجتماعی فرهنگی جهان مسیحی، خصوصاً واتیکان به نمایندگی از مذهب اکثریت و قالب- غالب یعنی کاتولیک‌ها، با سه مساله جامعه‌شناختی شالوده‌ای و نو پدید مواجه شد که همچنان محل بحث و مناقشه در سنت‌های فکری متنوع "جامعه‌شناسی دین" است (برای نمونه نک: نجاق حسینی ۱۳۸۹):

اول - مساله صلح مسیحی با مدرنیته، علم و تکنولوژی برای پیشبرد "عقلانیت مسیحی مدرن" (نک: باربور ۱۳۹۷)؛ دوم- همچنین مصالحه مسیحی با سبک زندگی مدرن برای اطمینان از ادامه حیات و "بقای دین مسیحی در جهان مدرن" (نک وبر ۱۳۹۶)؛ و سوم- نیز مساله نزاع مسیحی با سکولاریسم که با دین‌پرایی از جامعه و حوزه عمومی جمعی و تخصیص دین‌داری صرفاً به حوزه خصوصی فردی همراه بود (نک هیملتون ۱۳۸۷) و همچنین "لایسیته" [به معنای دین‌زدایی و دین برکناری از/ در جامعه و حوزه‌های عمومی و خصوصی] برای "باز تولید دین‌داری مدرن مسیحی" (نک آرشه ۱۳۸۵).

همه اینها نشان می‌دهد که تا چه اندازه و چرا و چگونه زیست جهان متنی مسیحی و تجربه زیسته تاریخی مسیحیت در امر واقع تاریخی اجتماعی سیاسی حقوقی فرهنگی خود همزمان و هم عنان درگیر در مساله دوگانه مورد بحث در این مقاله (مساله صلح / نزاع) بوده و هست. هرچند در مندرجات متن انجیل‌های رسمی (متی، مرقس، لوقا، یوحنا) عمدتاً در نگاه اول هیچ نشان‌گانی از مساله نزاع به چشم نمی‌خورد. اما در نگاه عمیق‌تر می‌توان تا اندازه‌ای ردپایی از خاستگاه‌های نزاع ملکوت خداوند با ناسوت دنیا را ملاحظه نمود. مراجعه به متن و فرازهایی از انجیل موید این مفروض



اند. این مراجعه نشان می‌دهد که خاستگاه این مساله را باید دو مهوم مهم تضاد / وفاق سراغ گرفت ( نک: نجاتی حسینی ۱۳۹۸ ) .

عهد جدید، که مجموعه آثاری است که مسیحیان به کتاب مقدس عبرانی افزوده‌اند و مشتمل است بر بیست و هفت اثر نگاشته شده به زبان یونانی با چنین عناوینی (جالب آن که به روایت انجیل یوقا «عیسی خود در طول حیاتش جز یکبار که با انگشت خویش بر خاک نگاشت، هیچ مکتوبی از خویش به جای نگذاشت») : چهار انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا کتاب اعمال رسولان؛ سیزده نامه منسوب به پولس رسول؛ درسنامه منسوب به یوحنا؛ دو نامه منسوب به پطرس؛ یک نامه منسوب به یعقوب؛ یک نامه منسوب به یهودا؛ رساله به عبرانیان؛ و کتاب مکاشفه می‌توان نمونه‌هایی از آن مقولات سه گانه آورد. در انجیل‌های دیگر نیز، انجیل‌های غیر رسمی که مورد تایید جهان مسیحی نیستند، مانند: "انجیل‌های گنوسی" و "انجیل برنابا" به همچنین امکان اخذ روایت‌هایی دیگر متصور است (نک: عهد جدید ۳۸۷، پیشین، دیباچه مترجم: ۲۵-۴۲).

باری، واری مقدماتی این بیست و هفت نوشته تا اندازه‌ای می‌تواند نشان دهد چگونه "وفاق- تضاد- پویایی" بنا به روایت انجیلی صورت‌بندی می‌شود. برای نمونه کافی است به اناجیل چهارگانه، که روایت مفصل زندگی و تعالیم و معجزات عیسی مسیح است، ارجاع داد. در این اناجیل و در متن تعالیم معنوی و آخرت‌گرایانه عیسی مسیح بن مریم می‌توان خاستگاه‌ها و سرنخ‌های "تضاد" را بیشتر ملاحظه نمود: هم تضاد دنیوی اجتماعی فرادستی و فرودستی و هم تضاد آخرتی متافیزیکی دنیا و آخرت؛ خصوصاً در فراز بسیار معروف "موعظه برفراز کوه" (منقول از: "انجیل متی") که به جهانیان چنین خطاب می‌کند:

«... نیک بخت آنان که روح فقیرانه دارند، چه ملکوت آسمان‌ها از آن ایشان



است/ نیک‌بخت نرم‌خویان، چه صاحبان زمین خواهند شد/ نیک‌بخت غم‌زدگان، چه تسلی داده خواهند شد/ نیک‌بخت تشنگان و گرسنگان داد، چه سیر خواهند شد/ نیک‌بخت بخشاینندگان، چه بخشوده خواهند شد/ نیک‌بخت آزار دیدگان از برای داد، چه ملکوت آسمان‌ها از آن ایشان است».

حتی رسالت عیسی مسیح ع نیز به روایت این اناجیل در پی تقویت وفاق بینادینی و درون دینی است تا برانگیختن تضاد در اجتماع مومنان :

«...مپندارید که آمده‌ام تا شریعت یا کتاب‌های پیامبران را منسوخ کنم؛ نیامده‌ام تا منسوخ کنم بلکه آمده‌ام تا کامل کنم». عیسی مسیح همچنین رمز و راز پویایی انسان و اجتماع مومنان را در پویایی اخروی می‌داند، یعنی در رعایت قواعد لازم الاجرا و الزام‌آور شریعت الهی: «...چه به راستی شما را می‌گویم، که تا آسمان و زمین برنگذرد، نه حرف و نه نقطه روی حرفی، از شریعت بر نخواهد گذشت تا بدان‌جا که همه محقق گردد/ پس آن کس که از کوچکترین این احکام یکی را زیر پای نهد، و به دیگران نیز بیاموزد که چنین کنند، در ملکوت آسمان‌ها کوچکترین شمرده خواهند شد؛ و به عکس، آن کس که آن‌ها را به جای آورد و تعلیم دهد در ملکوت آسمان‌ها بزرگ شمرده خواهد شد ..».

مسیحیت به روایت انجیل حتی تضاد را هم بر نمی‌تابد:

«... شنیده‌اید که گفته شده است، چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان؛ لیک شما را می‌گویم که برابر بدکار قد می‌فرازید/ بر خلاف، چون کسی بر گونه راست تو سیلی زد، گونه دیگر را نیز به سوی او باز گردان؛ اگر بر آن است که تابه محکمه‌ات کشاند و پیراهنت را بگیرد؛ ردای خویش نیز به او واگذار/ اگر تو را به پیمودن هزار گام واداشت، دو هزار گام بیمای/ به آن کس که از تو طلب کند، عطا کن؛ از آن کس که از تو وام می‌خواهد روی مگردان». مسیحیت به روایت



اناجیل به صلح و تفاهم و دوستی نیز به مثابه خاستگاه‌های انسان دوستی نظر دارد: «... شنیده‌اید که گفته شده است هم نوع خویش را دوست بدارید؛ و از دشمن بی‌زاری جوی؛ لیک شما را می‌گویم که دشمنان خویش را نیز دوست بدارید و از برای آزارگراشتان نیز دعا کنید...» ( همان جا ).

#### [۴] قرآن و اسلام: اسلام اجتماعی - اخلاقی صلح‌گرا و اسلام سیاسی نزاع‌گرا

برای مطالعه آخرین دین ابراهیمی، اسلام، از حیث مواجهه این دین ( و قرآن یا عهد خاتم ) با مسأله‌های صلح / نزاع پژوهش‌گر با موقعیت پیچیده‌ای روبرو است. محوریت این موقعیت پیچیده در نزد پژوهشگر به واریانس‌های معرفتی عقیدتی موجود در خود اسلام نسبت به مسأله صلح / نزاع و نیز تعبیر و تفاسیر و تاویل متنوع و گاه متفاوت و متضاد اسلام پژوهان بومی و دین‌پژوهان غربی از نحوه مواجهه اسلام با مسأله صلح و نزاع بر می‌گردد. که عمدتاً خاستگاه تاریخی‌شناختی آن برگرفته از روایت‌های تفسیری متفاوت مفسران متخصص از گزاره‌های قرآن در خصوص انسان و جهان و دنیا و آخرت (برای نمونه نك: گلدزیهر ۱۳۹۳) و نیز برداشت‌های اندیشه‌ورزان کلاسیک و معاصر بومی و غربی از ماهیت تاریخی - شناختی اسلام و روش شناسی‌های متناسب اسلام‌شناسی بوده و هست (برای نمونه نك: ارکون ۱۳۹۲).

اما وجه دیگری از این موقعیت پیچیده نیز به نحوه تفسیر اندیشه‌ورزان مسلمان کلاسیک در عصر سنت (سده‌های ۲ تا ۱۳ هجری / ۸ تا ۱۹ میلادی) و همتایان آنها در عصر مدرنیته (سده ۱۴ هجری / ۲۰ میلادی) با مسأله چهارگانه "سیاست و قدرت و حکومت و مردم" بر می‌گردد که شکل‌دهنده به "تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام" (برای نمونه نك: کرون ۱۳۹۴) در شکل‌های مختلف تئوریک آن مانند: "فلسفه سیاسی، الهیات سیاسی، فقه و کلام سیاسی" (برای نمونه نك: عنایت ۱۳۶۲؛ ۱۳۹۲؛ قادری ۱۳۷۸؛



حقیقت ۱۳۸۹؛ طباطبایی ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۸) و شکل عملیاتی شده آن یعنی "جنبش‌های سیاسی مذهبی" در اسلام معاصر (برای نمونه نك : اسپوزیتو و وال ۱۳۹۱) بوده است.

همه این موارد چنان چه از منظر جامعه‌شناختی به آن نگاه شود مبین این واقعیت است که در چهارده سده همه اینها در جهان اسلام (سنتی و نیمه مدرن و شبه مدرن) در قالب ایده سیاسی و عمل سیاسی عمدتاً- خواسته یا ناخواسته، درست یا نادرست، مناسب یا نامناسب- راه‌نما و راهگشای مساله نزاع اسلامی بوده‌اند تا صلح اسلامی. وجود چنین واقعیتی نه تنها سازنده چهره خاصی از اسلام رادیکال نزاع‌گرا در جهان اسلام بوده است ( برای نمونه نك: عثماوي ۱۳۹۷؛ فیلالی انصاری ۱۳۹۱) بلکه در غرب نیز این چهره‌نگاری از اسلام عمدتاً متداول و متعارف شده است (برای نمونه نك : ساترن ۱۳۹۲). اطلاق "اسلام رادیکال" به این نوع چهره‌سازی برای اسلام‌گرایی‌های معاصر و نیز ایجاد برجسب "اسلام‌هراسی" (اسلام فوبیا) در غرب (اروپا و آمریکا) را نیز می‌توان شکل دیگری از انتساب ذاتی نزاع‌گرایی به ماهیت اسلام دانست.

این امر هنگامی که با واقعیت‌های جغرافیای تاریخی سیاسی جهان اسلام و هارت لند آن- از خاورمیانه تا شمال آفریقا و آسیای میانه- و نیز ژئوپولیتیک این منطقه حساس پیوند می‌خورد بیش از هر چیز دیگر اهمیت استراتژیکی "اسلام سیاسی" و به تبع آن مساله نزاع اسلامی را برجسته می‌کند. طی حدود يك سده اخیر جغرافیای خشم‌آگین و خونین و خشن و خصمانه جهان اسلام، از سرنگونی حکومت‌ها تا انقلاب‌های مردمی و از استعمار غربی تا استبداد شرقی و از شبه مدرنیته مطلقه تا سنت‌گرایی ایدئولوژیک دینی، تا اندازه زیادی بر واقعیت وجود مساله نزاع اسلامی درون گروهی (نزاع جوامع جهان اسلام و دولت ملت‌ها و فرقه‌های مذهبی سیاسی با هم) و نزاع اسلامی برون‌گروهی (نزاع جوامع جهان اسلام و دولت ملت‌های آن با یهودیت - مسیحیت و تمدن و فرهنگ غربی و امپریالیسم‌های فرهنگی نظامی



رسانه‌ای ایالات متحده) صحه گذاشته و آن را تایید یا حمایت می‌کند (برای نمونه نك : نجاتي حسيني (۱۳۸۷).

باری با این وصف پرسش مهمی که، از دو منظر جامعه‌شناختی و الهیاتی، قابل طرح است این است که :

الف) خاستگاه اصلی و شالوده‌ای که توانسته است مساله نزاع / صلح در اسلام ( متن ) و جهان اسلام (زمینه) و ضمایم و الحاقات و توابع سیاسی آن ( اسلام سیاسی، اسلام رادیکال، اسلام‌هراسی، اسلام‌گرایی افراطی، افراط‌گرایی دینی، سازمان‌های تروریستی و تکفیری و...) را ایجاد کند؛ ب) یا بر ایجاد آنها موثر بوده است؛ پ) یا به ایجاد آن‌ها کمک فکری عقیدتی ایدئولوژیکی کرده است؛ ت) یا این که ابزاری دینی برای اسلام‌گرایی‌های خونین و خشونت بار شده است؛ ث- و یا برای نزاع‌سازی‌های فرقه‌ای جناحی در جهان اسلام توجیهی دینی مذهبی فراهم ساخته است؛ را باید در کجا جست؟.

بیشک خاستگاه همه پاسخ‌های ممکن و منطقی به این نوع پرسش‌ها می‌تواند ارجاع به متن مقدس (قرآن و الهیات اسلامی) و زمینه ایدئولوژیک (جهان اسلام و جامعه‌شناسی اسلام) باشد. اما در متن مقدس اسلام می‌توان به رگه‌هایی از مساله صلح / نزاع پی برد. ریشه این مساله را نیز می‌توان در ماهیت "عبارات دینی و عبادات مذهبی" جست که در متن قرآن و اسلام (به مثابه خاتم دین و سر متن مقدس ادیان ابراهیمی) روایت‌هایی از وفاق / تضاد آن هم به طرزی متفاوت و متمایز ارائه شده است. بنابراین اسلام قرائت و برداشت خاصی از نسبت‌های سازنده زیست دینی و اجتماعی و نیز زیست اخلاقی فردی دارد که در سه نقطه ارشمیدی به هم پیوند می‌خورند: نسبت با خدا، خود و دیگری.



در هر سه این نسبت‌ها می‌توان هم رگه‌هایی از توجه و توصیه به تقویت پویایی دینوی / دنیوی در زیست فردی و جمعی و نیز زیست در اجتماع مومنان و معتقدان را نیز ملاحظه نمود؛ و هم جاپایی از ضرورت ستیز فردی و جمعی با خاستگاه‌های شر (اصل "نهی از منکر" که مواجهه دینی اجتماع مومنان و معتقدان با "تضاد" است) و سازش با امر خیر (قاعده: "امر به معروف" که مواجهه دینی اجتماع مومنان و معتقدان با "وفاق" است) .. بنابراین در قرآن و اسلام هر سه مضمون مورد نظر قاعده‌مند و صورت‌بندی شده موجود هستند.

می‌ماند نوع قرائت مدرن و سنتی از آنها که جنجالی‌ترین قضیه دینی و مناقشه برانگیزترین برداشت ذهنی (ایده دینی) و سنت عملی (رویه دینی) برای زیست فردی و اجتماعی مسلمانان در طول تاریخ اسلام از آغاز تاکنون بوده است. و از این طریق بوده است که ده ها متن کلامی و نقلی و روایی و حدیثی را در دو مذهب بزرگ پرمعتقد و رایج در جهان اسلام - تشیع و تسنن - شکل داده است. به نمونه در زیست جهان تشیع می‌توان به متنی مانند "فرق الشیعه" اشاره نمود که حاوی توصیف ۱۵۴ دیدگاه دینی درباره "امامت شیعی" و "خلافت سنی" به عنوان دو امر و رخ داد مهم سازنده ستیز و سازش (تضاد و وفاق) برای پویایی امر دینی و دینوی است.<sup>۱</sup>

البته هم با توجه به فربه بودن محتوای معارف قرآنی و هم محتوای پر و پیمان معارف و دانش‌های دینی در اسلام (مانند کلام، حدیث، تفسیر، اخلاق و فقه) و نیز با توجه به غنا و صراحت آیات قرآنی درباره مقولات وفاق- تضاد- پویایی می‌توان نمونه‌های بی‌شمار دیگری نیز آورد. اما با توجه به حجم محدود این مقاله ما صرفاً می‌توانیم خاستگاه مبنایی این مباحث را



آن هم در حد فهرست متغیرهای کلیدی ارائه دهیم. از جمله اینها می‌توان به این مفاهیم قرآنی استراتژیک که به طرزی قابل تامل در زمره "مقولات دو جفتی متضاد" BINARY OPPOSITIONS [به اصطلاح انسان‌شناس بزرگ فقید فرانسوی کلود لوی استراوس] هستند نیز اشاره نمود؛ که از حیث سمانتیکی و معناشناختی در جهان بینی قرآنی<sup>۱</sup> [به اصطلاح اسلام پژوه فقید ژاپنی: توشیهیکوایزوتسو] (ایزوتسو ۱۳۹۳) در صورت‌بندی تئوریک (ذهنی: اعتقادی) و پراتیک (عملی: مناسکی عبادی) ایده و رویه‌های مسلمانان در زیست فردی و اجتماعی‌شان سازنده و موثر است و ضمناً برای تنظیم استراتژی مواجهه فرهنگ دینی و نهاد دین‌ورزی و اجتماع دین‌ورزان با وفاق- تضاد- پویایی هم مدخلیت تام دارند. اینها عبارتند از:

«دنیا / آخرت؛ غیب/ شهود؛ وحی/ عقل؛ جنگ / صلح؛ مومن/ کافر؛ قصاص/ عفو؛ تغییر/ تسلیم؛ خیر/ شر؛ بهشت / جهنم؛ تهجد و تعبد/ تلذذ و تفرج؛ قیام / قعود؛ ایثار و انفاق / اسراف».<sup>۲</sup>

با این اوصاف و با وجود تمرکز گفتمان قرآنی درباره اهمیت و عظمت صلح برای حفظ حیات اخلاقی فرهنگی معنوی انسان اما از سوی دیگر همین گفتمان الاهیاتی بر رفع موانع اجتماعی پیش‌روی این امر مهم تأکید دارد و لذا مشاهده می‌شود که صراحت‌های بی‌نظیر قرآن بر مقوله‌های مرتبطی مانند "جهاد و

۱

۲ برای "سمانتیک و هرمنوتیک قرآنی" نک: حسین عبدالرئوف (۱۳۹۷) پیوستاری در قرآن: تحلیل مفهومی، بینامتنی، زبان شناختی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)؛ جرالد هاوینگ و عبدالقادر شریف (ویراستاران) (۱۳۸۹) رهیافت‌هایی به قرآن، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران، حکمت؛ جان ونزبرو، اندرو ریپین، هربرت برگ، هارالد مولتسکی، اری ریپین، فرانسوا دوبلوا، جیمز بلامی (۱۳۹۲) زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن پژوهی غریبان، مرتضی کریمی نیا، تهران، هرمس؛ نصر حامد ابوزید (۱۳۸۹) معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن، مرتضی کریمی نیا، تهران، طرح نو؛ محمد عابد الجابری (۱۳۹۳) رهیافتی به قرآن کریم، محسن آرمین، تهران، نشر فی.



حرب و قصاص" نیز صرفاً به قصد دفاع مشروع برای حفظ حیات اخلاقی فرهنگی معنوی انسان در همین راستا مفصل‌بندی شده است؛ اما از نزاع و خشم و خشونت بی‌مورد و بی‌حاصل نیز پرهیز داده شده است. برای یک نمونه بارز، مهم و متعارف از تلاش برای اعمال این امر مهم در جهان اسلام می‌توان به "اصل مصالح مرسله" ملهم از قرآن در معارف اسلامی (فقهی و کلامی) اشاره داشت که مبتنی بر ضرورت "حفظ دین، جان، عقل، مال، نسل" (مصالح مرسله) از طریق تنظیم اصول و قواعد مرتبط با صلح‌گرایی و پرهیز از جنگ است. امری که از حیث مندرجات و محتوای معرفتی عقیدتی آن قابل مقایسه با مندرجات فلسفه‌های سیاسی حقوقی اجتماعی و خصوصاً دیدگاه‌ها و دکترین‌های مندرج در "فلسفه منفعت عمومی و فلسفه مصلحت جمعی" در فرهنگ حقوقی سیاسی اروپایی - آمریکایی مدرن و تمدن غربی معاصر است (نک: نجاتی حسینی ۱۳۹۴).

### نتیجه‌گیری

نحوه مندرج شدن اصول صلح / نزاع در متون مقدس دینی و مطالعه ماهیت و مکانیزم آنها یک چیز است و تعبیرها و تفسیرهای متنوع، متفاوت و بعضاً متضاد با روح متن‌های مقدس از این اصول چیزی دیگر است. و همچنین استناد منفعت‌طلبانه فرقه‌های مذهبی و مشرب‌های فقهی کلامی و استفاده ابزارگرایانه جنبش‌های بنیادگرا و سازمان‌های سیاسی نظامی مذهبی از این اصول مندرج در متن‌های مقدس و یا حتی تعبیر و تفاسیر آنها به طور کلی چیزی مجزا از مندرجات اصول صلح / نزاع در متن‌های مقدس (تورات، انجیل، قرآن) ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) است. به این خاطر مطالعه در این باره راحت و آسان نیست و سختی‌ها و پیچیدگی‌های علمی پژوهشی خاص خود را دارد.



لذا در این نوشتار پژوهشی ما تلاش کردیم همه جوانب گفته شده در بالا را به هنگام مراجعه به متن‌های مقدس مورد بررسی، در حد امکانات "تکنیک تحلیل متن" و "رویه هرمنوتیک متن مقدس" و نیز به ویژه "پروپلماتیک فلسفه مطالعات قرآنی" (نک: نجاتی حسینی ۱۳۹۹) در محدوده بضاعت علمی پژوهشگر حاضر رعایت نماییم. زین سبب با اتکا به پروپلماتیک مقاله و نیز اتکا به دو دانش مهم مرتبط با مساله صلح و نزاع یعنی دانش‌های موجه و معتبر الهیات و جامعه‌شناسی به سمت بازخوانی و بازگویی این مساله استراتژیکی برای زیست جهان‌های دینی عزیمت نمودیم. به این قرار هم متن (تورات، انجیل، قرآن) را به طرز الهیاتی از حیث نحوه نسبت برقرار نمودن با مساله صلح / نزاع خوانش نمودیم؛ و هم تا اندازه‌ای نسبتاً نحوه و تبعات تسری و تعمیم مساله صلح / نزاع به زمینه (جهان یهودی- مسیحی، جهان اسلام) را از منظر جامعه‌شناختی تحلیل کردیم.

نهایت امر نیز که ما حاصل این تلاش بود، خلاصه نمودن مطالعه و بحث ما در سه مقوله معنادار زیر شد:

ابرای منظر "فلسفه مطالعات قرآنی" و "فلسفه قرآن پژوهی" نگاه شود به: نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۹۹) پروپلماتیک مطالعات قرآنی سنتی و مدرن: برخی نکات انتقادی- راهبردی برای فلسفه مطالعات قرآنی، مقاله ارائه شده به [اولین همایش ملی "مطالعات سبک شناختی قرآن کریم"- دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم- دانشکده مطالعات قرآنی خوی- ۱۵ شهریور ۱۳۹۹ - خوی].  
- منتشره در: دو فصلنامه مطالعات سبک شناختی قرآن کریم (دانشگاه علوم و معارف قرآنی) سال سوم - شماره ۱، پیاپی ۵ / پاییز و زمستان ۱۳۹۸؛ تاریخ نشر بهمن ۱۳۹۹؛ صص ۲۱۹-۲۴۱.  
- قابل دسترسی اینترنتی در لینک زیر:

<http://style.quran.ac.ir/www>

[http://style.quran.ac.ir/article\\_121466\\_b2332eeea257bfbbee790604e62bcbcd4a.pdf](http://style.quran.ac.ir/article_121466_b2332eeea257bfbbee790604e62bcbcd4a.pdf)

نیز نک:

- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۴۰۰) پروپلماتیک تفسیر اجتماعی قرآن: مساله، ایده، پرسش، روش، نظریه؛ مقاله ارائه شده به همایش: [همایش بین المللی "تفسیر اجتماعی قرآن کریم: ظرفیت ها و چالش ها" / انجمن ایرانی مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی؛ و معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / ۱۸ و ۱۹ اسفند ۱۴۰۰] <http://icisqs.ir>  
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۴۰۰) قرآن و امر اجتماعی فرهنگی: برخی ملاحظات نظری و روشی؛ مقاله ارائه شده به: [اولین همایش بین المللی مطالعات میان رشته ای قرآن کریم - و ششمین همایش ملی اعجاز قرآن کریم / دانشگاه شهید بهشتی- (پژوهشکده اعجاز قرآن و انجمن اعجاز قرآن ایران) ۱۱ و ۱۲ اسفند ۱۴۰۰]. <http://icisqs.sbu.ac.ir>



تورات و یهودیت: خشم و خشونت مقدس، قومی و دینی.

انجیل و مسیحیت: متن صلح‌گرا/ زمینه نزاع‌گرا کتاب‌شناسی.

قرآن و اسلام: اسلام اجتماعی- اخلاقی صلح‌گرا و اسلام سیاسی نزاع‌گرا.

مفاد و مندرجات هر سه مقوله، همانگونه که در بخش‌های مختلف مقاله بحث شد، نشان می‌دهند که متن‌های مقدس ادیان ابراهیمی به تصریح یا تلویح نسبت به مساله صلح / نزاع توجه نشان داده‌اند؛ منتهی هر کدام با لحاظ مقتضیات جهان متن و نیز زیست جهان تاریخی که زمینه متن بوده است با این مساله مواجهه عقیدتی و فرهنگی مقتضی داشته‌اند.

اما در يك مقایسه کلی بینا متنی باید گفت که حسب روایت و نحوه خوانش متون مقدس و وفق مقتضیات زمینه و مخاطب و خواننده متن می‌توان شاهد برداشت‌های متنوع، متفاوت، متمایز، متضاد از مساله صلح/ نزاع بود. حقیقتی متنی که به گفته مولانا جلال‌الدین محمد مولوی بلخی خراسانی در مثنوی شریف معنوی این گونه زیبا و دقیق صورت‌بندی شده است و نشان می‌دهد:

"هر مخاطبی در متن هر چه بخواهد می‌خواند و می‌یابد و مخاطب قرآن خوان هم از این امر مستثنی نیست؟!":

به گفته مثنوی شریف معنوی :

«چون که زین قرآن بسی گمره شدند- زین رسن قومی درون چه شدند/ این رسن را نیست جرمی‌ای عنود- چون ترا سودای سربالا نبود»



## منابع

### منابع فارسی

- ۱- ابن الغزنوی، ابوالمعالی احمد [سده ۵۶۰ ق/ ۱۲ م]، ۱۳۸۹، تراجم الاعلام: فرهنگ کهن واژه‌های قرآن کریم با ترجمه فارسی در سده ۶ هجری، به اهتمام مسعود قاسمی و محمود مدبری، تهران، انتشارات اطلاعات.
- ۲- ابن ثعالبی، ابومنصور عبدالملک [سده ۵۵۰ ق/ سده ۱۱ م]، ۱۳۸۶، اقتباس از قرآن کریم، حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۳- ارشه، گی، ۱۳۸۵، لایسیسته، عبدالوهاب احمدي، تهران، آگه.
- ۴- رازکون، محمد، ۱۳۹۲، تاریخ‌مندی اندیشه اسلامی، رحیم حمداوی، تهران، نشر نگاه معاصر.
- ۵- اسپوزیتو، جان و وال، جان، ۱۳۹۱، جنبش‌های اسلامی معاصر، شجاع احمدوند، تهران، نی.
- ۶- استیس، والتر. ت.، ۱۳۸۸، عرفان و فلسفه، بهاء الدین خرمشاهی، تهران، سروش.
- ۷- اشمیت، کارل، ۱۳۹۲، الاهیات سیاسی ۲، لیلا چمن‌خواه، تهران، نشر نگاه معاصر.
- ۸- اشمیت، کارل، ۱۳۹۰، الاهیات سیاسی ۱، لیلا چمن‌خواه، تهران، نشر نگاه معاصر.
- ۹- انجیل برنابا، ۱۳۹۰، ترجمه حیدر قلی خان قزل باش (سردار کابلی)، تهران، المعی.



- ۱۰- اوپانیشاد ها- کتاب‌های حکمت، ۱۳۹۰، ترجمه مهدی جواهریان و پیام یزدان‌جو، تهران، نشر مرکز.
- ۱۱- اوستا- کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، ۱۳۹۲، گزارش و پژوهش: جلیل دوست خواه، تهران، مروارید، ۲ جلد.
- ۱۲- ایزوتسو، توشهیکو، ۱۳۹۳، خدا و انسان در قرآن، احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۱۳- باربور، ایان، ۱۳۹۷، علم و دین، بهاء الدین خرم شاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۴- برنز، شیلا و دیگران، ۱۳۸۷، عصر اروپا، بهرام معلمی، تهران، اختران.
- ۱۵- برونوفسکی، ج. و مازلیش، ب، ۱۳۹۳، سنت روشن فکری در غرب: از لئوناردو تا هگل، لی لا سازگار، تهران، آگاه.
- ۱۶- بژه، دیوید.ام. ، ۱۳۸۸، تحلیل روایت و پیشا روایت: روش‌های روایی در تحقیقات اجتماعی، حسن محدثی، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۷- بلاوت، جیمز.ام، ۱۳۸۹، هشت تاریخ دان اروپا محور، ارستو میرانی و به یان رفیعی، با مقدمه سید سعید رضا عاملی ، تهران، امیر کبیر.
- ۱۸- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمان، ۱۳۹۱، اعجاز بیانی قرآن، حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۹- بودا، ۱۳۹۶، دما پدا- بودا، راه حق و سروده‌هایش، ترجمه از زبان پالی: رضا علوی، تهران، نشر فرزانه.
- ۲۰- پترسون، مایکل و همکاران، ۱۳۸۹، عقل و اعتقاد دینی: درآمدی بر فلسفه دین، احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.



- ۲۱- پیگلز، الین، ۱۳۹۴، انجیل های گنوسی، ماشاء... کوچکی میبدي، تهران، شرکت انتشارات علمي و فرهنگي.
- ۲۲- تائوته چینگ لائوتزه - راهنمای هنر زندگی و خرد ناب، ۱۳۹۲، ترجمه فرشید قهرمانی، تهران، نشر مثلث.
- ۲۳- جعفری، فرزاد، ۱۳۹۴، فرائد: فرهنگ واژگان دشوار قرآن کریم بر پایه ترجمه‌های کهن، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۴- حامد ابوزید، نصر، ۱۳۸۹، معنای متن: پژوهشی در علوم قرآن، مرتضی کریمی نیا، تهران، طرح نو.
- ۲۵- حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۹، مبانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران، سمت.
- ۲۶- دورانت ویل و اریل، ۱۳۸۹، دین در تاریخ تمدن، تدوین علی فتحی لقمان، شیراز، آوند اندیشه، فصل سوم: "یهود"، صص ۷۷-۱۴۷.
- ۲۷- رپلی، تیم، ۱۳۹۵، راهنمای عملی تحلیل و گفتگو، گفتمان و سند، عبدا... بیجرانلو، تهران، شرکت انتشارات علمي و فرهنگي.
- ۲۸- زبور مانوی، ۱۳۹۶، برگردان متن قبطی از: سی. ار. سی البری با همکاری هوگو ایشر، برگردان پارسی از: ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق، تهران، هیرمند.
- ۲۹- ژیلسون، اتین، ۱۳۸۴، روح فلسفه قرون وسطی، ع. داوودی، تهران، شرکت انتشارات علمي و فرهنگي.
- ۳۰- ژیلسون، اتین، ۱۳۸۸، خدا و فلسفه- تحول مفهوم خدا در تاریخ فلسفه غرب، شهرام پازوکی، تهران، حقیقت.
- ۳۱- سردار کابلی- حیدر قلی خان قزلباش (ترجمه فارسی)، ۱۳۶۲، انجیل برنابا، با مقدمه‌های عربی از خلیل سعادت و محمد رشید رضا الحسینی ۱۳۲۶ ه.ق، و مقدمه فارسی از سید محمود طالقانی، تهران، دفتر نشر کتاب.



۳۲- سلدون، رامان و ویدوسون، پیتر، ۱۳۸۴، راهنمای نظریه ادبی معاصر، عباس مخبر، تهران، طرح نو.

۳۳- سنت آگوستین قدیس، ۱۳۹۳، شهر خدا، حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

۳۴- شولم، گرشوم، ۱۳۹۲، گرایش ها و مکاتب اصلی عرفان یهود، علیرضا فهیم، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، فصل ۱: "ویژگی‌های کلی عرفان یهود"، صص ۶۸-۹.

۳۵- طباطبائی، سیدجواد، ۱۳۷۸، زوال اندیشه سیاسی در ایران، تهران، کویر.

۳۶- طباطبائی، سید جواد، ۱۳۸۸، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، کویر.

۳۷- عابد الجابری، محمد، ۱۳۹۳، رهیافتی به قرآن کریم، محسن آرمین، تهران، نشر نی.

۳۸- عبدالرئوف، حسین، ۱۳۹۷، پیوستاری در قرآن: تحلیل مفهومی، بینامتنی، زبان‌شناختی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری).

۳۹- عشاوی، محمد سعید، ۱۳۹۷، اسلام‌گرایی یا اسلام: بر اساس منابع اهل سنت، امیر رضایی، تهران، قصیده سرا.

۴۰- عنایت، حمید، ۱۳۶۲، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران، امیر کبیر.

۴۱- عنایت، حمید، ۱۳۹۲، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، بهاء الدین خرم شاهی، تهران، خوارزمی.

۴۲- عهد جدید [انجیل]- براساس کتاب مقدس اورشلیم، ۱۳۹۶، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی.

۴۳- عهد عتیق- جلد اول/ کتاب های شریعت یا تورات: براساس کتاب مقدس اورشلیم، ۱۳۹۶، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر هرمس.



- ۴۴- عهد عتیق- جلد دوم/ کتاب های تاریخ: براساس کتاب مقدس اورشلیم، ۱۳۹۶، ترجمه پیروز سیار، تهران، نشر نی.
- ۴۵- فروند، ژولین، ۱۳۸۷، نظریه های مربوط به علوم انسانی، علی محمد کاردان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴۶- فیلاپی انصاری، ع، ۱۳۹۱، اسلام و لایسیته، امیر رضایی، تهران، قصیده سر.
- ۴۷- فینکلشتاین، اسرائیل و اشرسیلبرمان، نیل، ۱۳۹۴، باستان شناسی کتاب مقدس: نگاهی به تاریخ قوم یهود و منشاء کتاب های مقدس آن، سعید کریم پور، تهران، سبزان.
- ۴۸- قادری، حاتم، ۱۳۷۸، اندیشه های سیاسی در اسلام و ایران، تهران، سمت.
- ۴۹- کاسپرر، ارنست، ۱۳۸۹، فلسفه روشن گری، یدا... موقن، تهران، نیلوفر.
- ۵۰- کالینکیوس، آکس، ۱۳۸۳، درآمدی تاریخی بر نظریه اجتماعی، اکبر معصوم بیگی، تهران، آگه.
- ۵۱- کرون، پاتریشیا، ۱۳۹۴، تاریخ اندیشه سیاسی در اسلام، مسعود جعفری، تهران، سخن.
- ۵۲- کنفوسیوس، ۱۳۹۷، مکالمات، حسین کاظم زاده ایران شهر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۵۳- گروندن، ژان، ۱۳۹۵، هرمنوتیک، محمدرضا ابوالقاسمی، تهران، نشر ماهی.
- ۵۴- گلدزیهر، ایگناتس، ۱۳۹۳، گرایش های تفسیری در میان مسلمین، سید ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس.
- ۵۵- گلدمن، لوسین، ۱۳۹۴، فلسفه روشن گری، شیوا کاویانی، تهران اختران.
- ۵۶- لوفان بومر، فرانکلین، ۱۳۹۷، جریان های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی: گزیده



آثار بزرگ در تاریخ اندیشه اروپای غربی از سده های میانه تا امروز، حسین بشیریه، تهران، چاپخش.

۵۷- لویس، برنارد، ۱۳۹۱، تاریخ خاورمیانه : دو هزار سال تاریخ از ظهور مسیحیت تا کنون، حسن کام شاد، تهران، نی.

۵۸- معلقات سبع، ۱۳۹۰، ترجمه از عربی: عبدالحمید آیتی، تهران، سروش.

۵۹- مک گراث، آلستر، ۱۳۸۴، درسنامه الهیات مسیحی، بهروز حدادی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

۶۰- مک گین، برنارد و دیگران، ۱۳۹۷، در باره عرفان مسیحی، محمد صباپی، تهران، ققنوس.

۶۱- منسیوس، ۱۳۹۰، حکایت های اخلاقی از آیین کنفوسیوس، گیتی وزیري، تهران، بصیرت.

۶۲- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۵، الهیات و فکرسازی در ایران: کلام- فقه شیعی به مثابه شبه الهیات سیاسی، مقاله ارائه شده به «دهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران: وضعیت فکرسازی در ایران معاصر/تهران- خانه اندیشمندان علوم انسانی ایران، دی ماه ۱۳۹۵».

۶۳- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۶، الهیات فرهنگی صلح و الهیات اسلامی: تاملی در قرآن، نهج الفصاحه، نهج البلاغه، مثنوی معنوی، مقاله عرضه شده به «همایش: چیستی صلح - مبانی مفهومی نظری و چشم اندازهای راهبردی (اولین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران با همکاری انجمن جامعه شناسی ایران و انجمن علوم سیاسی ایران/ تهران - خانه اندیشمندان علوم انسانی - ۴ شنبه ۸ ابان ماه ۱۳۹۶: پانل "صلح و دین")».

۶۴- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۸، الهیات رادیکال: الهیات سیاسی افراط گرایان اسلامی (یک مدل جامعه شناختی برای تحلیل اسلام سیاسی گروه های



افراطی خاورمیانه)، مقاله ارائه شده به «همایش بین‌المللی گفتگوی نخبگان جهان اسلام» با موضوع: «بررسی چالش‌ها، زمینه‌ها و همکاری‌های مشترک ایران-سوریه-لبنان-عراق» (اردیبهشت ۱۳۹۸-تهران: پژوهشکده بین‌المللی عصر و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران).

۶۵- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۸، دین در رویارویی با «وفاق-تضاد-پویایی»: از سنت‌های جامعه‌شناسی دین تا الاهیات فلسفی اجتماعی گفتگوی هابرماسی، ارائه شده در پانل دین همایش انجمن جامعه‌شناسی ایران «چهارمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران» (تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران: اردیبهشت ۱۳۹۸) [در دست چاپ].

۶۶- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۸، دین در رویارویی با «وفاق-تضاد-پویایی»: از سنت‌های جامعه‌شناسی دین تا الاهیات فلسفی اجتماعی گفتگوی هابرماسی، مقاله ارائه شده به پانل دین-همایش انجمن جامعه‌شناسی ایران «چهارمین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری در باره جامعه ایران» (تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، اردیبهشت ۱۳۹۸).

۶۷- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۴، خاستگاه‌های عقیدتی-دینی در نگرش-گرایش به مصالح جمعی: مطالعه موردی دعا، حدیث و حکمت شیعی؛ در: مرتضی بحرانی (ویراستار) فرد، فردگرایی و جمع‌گرایی در آموزه‌های اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صص: ۳۹۵-۳۵۵.

۶۸- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۸۷، جهانی‌شدن، امپریالیسم فرهنگی و اسلام سیاسی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال ۱۵، شماره ۴۹۳، پاییز و زمستان، شماره کلی ۵۴ و ۵۵، صص: ۶۵-۹۴.



۶۹- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۸۹، جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دینی، جامعه- خداشناسی: بازخوانی انتقادی- مقایسه‌ای سنت‌های فکری در دین پژوهی اجتماعی و فرهنگی، دوفصلنامه علمی تخصصی اسلام و علوم اجتماعی [پژوهشگاه حوزه و دانشگاه]، سال ۲، شماره ۴، پاییز و زمستان، صص ۷۷-۱۲۰

۷۰- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۶، درس گفتار فشرده: «دین و صلح / ناصالح» انجمن جامعه‌شناسی ایران- مرکز آموزش‌های تخصصی و جامعه‌محور (۱۲۰ دقیقه) ۲ اسفند ماه ۱۳۹۸.

۷۱- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۸، زمینه جامعه‌شناختی گفتگوهای درون- برون دینی: روایت ال‌هیات فلسفی اجتماعی گفتگوی هابرماسی، مقاله ارائه شده به «هشتمین همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر» (انجمن فلسفه دین ایران، مشهد، سازمان تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، بهمن ۱۳۹۸).

۷۲- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۳۹۹، پروبلماتیک مطالعات قرآنی سنتی و مدرن: برخی نکات انتقادی- راهبردی برای فلسفه مطالعات قرآنی، مقاله ارائه شده به [اولین همایش ملی "مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم"- دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم- دانشکده مطالعات قرآنی خوی- ۱۵ شهریور ۱۳۹۹ - خوی].

منتشره در: دو فصلنامه مطالعات سبک‌شناختی قرآن کریم (دانشگاه علوم و معارف قرآنی) سال سوم- شماره ۱، پیاپی ۵ / پاییز و زمستان ۱۳۹۸؛ تاریخ نشر بهمن ۱۳۹۹؛ صص ۲۴۱-۲۴۱. قابل دسترسی اینترنتی در لینک زیر:

<http://style.quran.ac.ir/www>

[b2332eeaa257bfbbee790604e62bcbdf4a.pdf\\_121466\\_http://style.quran.ac.ir/article](http://style.quran.ac.ir/article_b2332eeaa257bfbbee790604e62bcbdf4a.pdf_121466)

73- نجاتی حسینی، سید محمود، 1400، پروبلماتیک تفسیر اجتماعی قرآن: مساله، ایده، پرسش، روش، نظریه؛ مقاله ارائه شده به همایش: [همایش بین‌المللی "تفسیر اجتماعی قرآن کریم: ظرفیت‌ها و چالش‌ها" / انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی؛ و



معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / 18 و 19 اسفند 1400 [http://ir.isqs/]

۷۴- نجاتی حسینی، سید محمود، ۱۴۰۰، قرآن و امر اجتماعی فرهنگی: برخی ملاحظات نظری و روشی؛ مقاله ارائه شده به: [اولین همایش بین‌المللی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم - و ششمین همایش ملی اعجاز قرآن کریم/ دانشگاه شهید بهشتی- (پژوهشکده اعجاز قرآن و انجمن اعجاز قرآن ایران) ۱۱ و ۱۲ اسفند ۱۴۰۰].

<http://ir.ac.sbu.iciqs/>

۷۵- نوبختی، حسن بن موسی [س ۴۰۵/ق ۱۰م]، ۱۳۹۶، فرق الشیعه، ترجمه و تعلیقات محمد جواد مشکور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۷۶- هاوتینگ، جرالند و شریف، عبدالقادر (ویراستاران)، ۱۳۸۹، رهیافت‌هایی به قرآن، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران، حکمت.

۷۷- همیلتون، پیتر، ۱۳۸۶، روشن‌گری و تکوین علم اجتماعی، محمد نبوی، تهران، آگه.

۷۸- همیلتون، ملکم، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی دین، محسن ثلاثی، تهران: ثالث.

۷۹- وبر، ماکس، ۱۳۹۶، جامعه‌شناسی دین، محسن ثلاثی، تهران، ثالث.

۸۰- ونزبرو، جان و دیگران، ۱۳۹۲، زبان قرآن، تفسیر قرآن: مجموعه مقالات قرآن‌پژوهی غریبان، مرتضی کریمی‌نیا، تهران، هرمس.

۸۱- ویلیام ساترن، ریچارد، ۱۳۹۲، چهره اسلام در اروپای قرون میانه، عبدا... ناصری طاهری و فاطمه کیا در بند سري، تهران، کویر.

۸۲- الیاده، میرچا، ۱۳۷۴، فرهنگ و دین، هیات مترجمان- زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی، تهران، طرح نو.

۸۳- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوییز، ۱۳۸۹، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، هادی جلیلی، تهران، نی.



## منابع انگلیسی

84- Galtung, Johan (2010) Peace Studies and Conflict Resolution: The Need for Transdisciplinarity - TRANSCEND: A Network for Peace and Development, trans-cultural psychiatry ARTICLE, Transcultural Psychiatry Vol 47(1):20-32., <http://www.sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav>, DOI: 10.1177/1363461510362041.

85- Rams, Botham, et al (2016) Contemporary Conflict Resolution, 4th, Edition, Polity. ISBN: 978-0-745-68721-6 February.

86- SCOTT, Q & CAVANAUGH, W.T. (Eds) (2015) the Blackwell companion to political theology, Blackwell.

87- Webel, Charles & Galtung, Johan (Eds) (2007) Handbook of Peace and Conflicts Studies, Routledge.